

## تابش نور شمعها بر بازار (نمودارهای شمعی) - مصاحبه با استیو نیسون

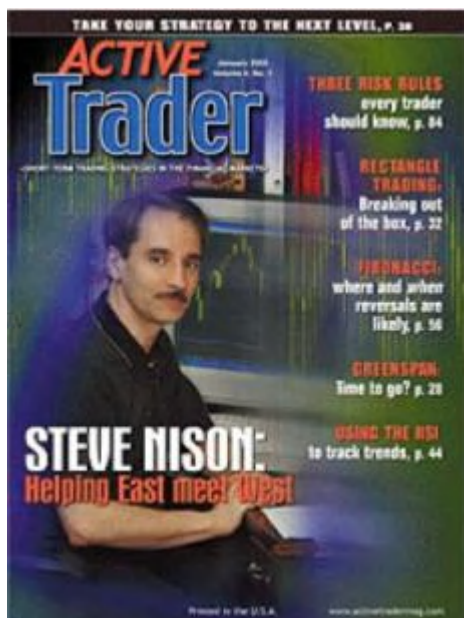
تابش نور شمعها بر بازار

Kira Mccaffery Brecht

قریب به ۱۵ سال پیش زمانیکه استیو نیسون در Shearson Lehman Hutton و در محل کار خود در دپارتمان تحقیقاتی فیوچرز پیشنهادات و نظرات خود را به کارگزاران ارایه میکرد ، هنوز به کسی نگفته بود که از تحلیل کندلها برای این کار استفاده می کند .

در حالیکه تحلیلهای تکنیکال بطور وسیع در معاملات فیوچرز مقبول افتاده بود ، هنوز چارتهای کندلی در غرب ناشناخته مانده بود . در این زمان استیو نیسون آمادگیی این متد با تمام پیچیدگیهایش را در خود احساس نمی کرد (او در حال تکمیل تحقیقاتش روی این موضوع بود) . و از طرفی رغبتی هم نداشت که متد خرید و فروش برپایه سیگنالهای Hangingman , Morning Attack و یا Three Advancing Soldiers ارایه دهد.

پس از اینکه فرهنگ کندلهای ژاپنی برای معامله گران قابل فهم شد ، استفاده از این متد تحلیلی شروع به گسترش کرد بطوریکه نسبت به اواسط دهه ۸۰ این همه گریبوضوح قابل مشاهده بود . در حال حاضر نیز معامله گران و تحلیلگران سهام ، مراتبامتنان خود را از این متد بدلیل گشودن زاویه ای بهتر جهت تحلیل بازار و قیمتها اعلام می کنند.

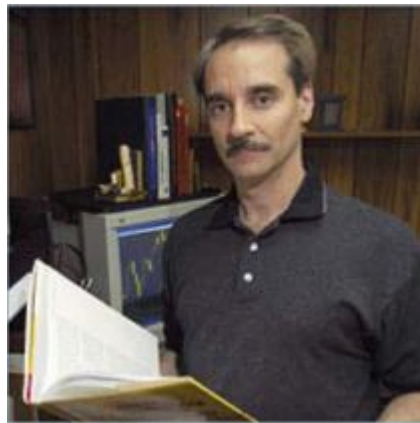


حال ، تشکر معامله گران بخاطر ارایه این روش چارتینگ ۱۲۰ ساله به غرب بسوی نیسون جهت گرفته شده است . نیسون اولین مقاله خود درباره کندلهای ژاپنی را در آمریکا نوشت (در مجله فیوچرز در سال ۸۹ چاپ شد) و همچنین کتابهای پایه ای و معتبری از قبیل Japanese Candlestick Charting Techniques و Beyond Candlestick را قلم زد . هم اکنون نیز او مسوول سایت Candlecharts.com است که بصورت مستقل از سال ۹۶ فعالیت آموزشی مشورتی را پایه نهاده است .

نیسون بعنوان مدافع قوی کندلهای ژاپنی عنوان کرده است که «کندلها فقط یکی از ابزار جنگ افزاری شما در زرادخانه تجارتان است» . در سمینارهای آموزشی هم نیسون توصیه می کند که استفاده از شمعها «بازار» است و نه سیستم و در واقع او بر ترکیبی از تکنیکهای غربی و تحلیل کندلهای ژاپنی معتقد است .

نیسون در اواسط دهه ۸۰ در سالن دفتر یک کارگزار ژاپنی در Shearson از وجود اینچارتهای اطلاع پیدا کرد و توجهش را معطوف آن نمود تا مسابلسش را فرا گیرد . « زمانیکه تحقیقاتم را انجام می دادم با مترجم آمریکایی آشنا شدم که در صدد رفتن به ژاپن بود. از او خواستم هرچه کتاب درباره کندلهای ژاپنی دیدم برایم بخرد . او آنها را برایم آورده ترجمه نمود و سپس جمع آوری و ترکیب آنها سالهای مرا بخود مشغول کرد .» مطلب فوق را استیو نیسون در Improve my Trade recommendations عنوان کرده است .

او در اواخر دهه ۸۰ به Merrill Lynch منتقل شد و همزمان با قبول مسوولیت بعنوان تحلیلگر ارشد تکنیکال در دپارتمان فیوچرز ، کتابچه ۱۵ صفحه ای درباره کندل‌های ژاپنی نوشت که بلافاصله شرکت با درخواست ده هزار نسخه ای از این کتابچه مواجه شد.



معامله گران فیوچرز در ابتدا اقدام به آنالیز مزایای تحلیل بر پایه کندل‌ها شدند . قبل از این ، درك معامله گران فیوچرز ، تکنیکالی صرف بود . نیسون می گوید «بازار Equity در ابتدای دهه ۹۰ نسبتا ساکن بود . معاملات آنلاین در آنموقع وجود نداشت و روزهای کاری هم زیاد نبود . معامله گران فیوچرز به کار روی کندل‌های ژاپنی پرداختند دلیل اینکه تمایل به معامله کوتاه مدت داشتند (سیگنال‌های برگشتی سریع می خواستند).

نیاز آنها مستقیما در دل تحلیل کندل‌ها دیده می شد .

نیسون می دانست که نیاز آنها این است که تایمفریم کوچک شود . « فاندamental در تایمفریم بزرگ مهم می نمود و در دید کوتاهمدت فاندamental تاثیر کمی دارد و احساسات بیشتر تاثیرگذار است . تکرار اندازه گیری طیف احساسات بازار از جاده تکنیکال می گذرد» .

کندل‌ها حالتتراکم شده نمودار میله ای می تواند باشد . نیسون اعتقاد دارد « اختلاف عمده در اینجاست که ژاپنیها اهمیت زیادی به قیمت‌های close , open می دهند» .

کندل‌های ترکیبی از بدنه و دم و شاخ هستند . بدنه فاصله بین open و close است . وقتی close پایینتر از open باشد بدنه سیاه(رنگ دیگری) بوده و اگر close بالاتر از open باشد بدنه سفید(نوخالی) می باشد . خطوط باریک در بالا و پایین شاج و دم هستند . بالایشاخ نشاندهنده high و پایین دم معرف low است . طول کندل و اینکه سیاه است یا سفید ، پایینرو یا بالارو بودن قیمت‌ها را نشان می دهد .

AT : مزیت Candlestick Charts بر Bar Charts چیست؟

SN : در نمودار کندل‌ها شما تمام تحلیل‌های تکنیکی غربی را میتوانید پیاده کنید . هر آنچه در نمودار میله ای استفاده می کنید در نمودار کندل‌ها نیز صادق است مانند میانگین متحرک ،\*خطوط روند ، آسیلاتورها و رترسمنت ها . اما علاوه بر سیگنال‌های غربی سیگنال‌هایی خواهید دید که فقط در نمودار کندل‌ها قابل رویتاست . مانند دوجی که زمانی رخ می دهد که open و close یکی باشد . اگر بازار حرکتی قابل توجه داشته باشد و سپس دوجی تشکیل شود ژاپنی ها باصطلاح می گویند بازار خستهشده است و یک نیروی بالقوه برای برگشت روند بوجود آمده .

نمودار کندل‌های برگشت ها را زودتر سیگنال می دهد . در صورتیکه در نمودار میله ای نظر دادن درباره برگشت روند و تاییدیه اش ،\* توسط خطوط روند یا میانگین متحرک انجام می شود و این ، بررسی طولانیمدت را می طلبد . در نمودار کندل‌ها شما می توانید سیگنال برگشت را در یک یا دو سشن تشخیص دهید . برای مثال در هفته شامل ۱۴ می ۲۰۰۱ الگوی Evening Star در چارت نزدك قابل دقت است . بر پایه تکنیک غربی الگوی سر و شانه شکل گرفته است اما تشکیل این الگو هفته ها زمان می برد و طول می کشد تا برگشت قیمت از گردن نیز تاییدگردد . بازار با یک الگوی برگشتی نزولی در بالای تراز سر شکل گرفت اما تا ۱۱ ژوئن ۲۰۰۱ شکست گردن رخ نداده بود .

اطلاعات قیمتی در هر دو نوع چارت میله ای و کندلی بصورت یکسان موجود است اما برای تعمق روی بازار و قیمت‌ها با استفاده از نمودار میله ای احتیاج به ژمناستیک فکری دارید. الگوها مانند گپها (که windows می‌نامیم) در نمودار میله ای نیز پدید می‌آید. به هر حال شما از تمام سیگنال‌ها می‌توانید استفاده کنید به همراه استفاده از دورنمای نمودار کندل‌ها که در ذهن خود مجسم‌شمی نمایید. همچنین کندل‌ها برای حفظ سرمایه بسیار مناسب هستند. برای مثال فرض کنید بازار یک تراز ارتفاعی جدید ساخته است و سپس دوجی و یا spinning top (شامل بدنه ای کوچک همراه شاخ و دم بلند) بوجود آمد. این به ما می‌فهماند که بازار این قیمت را رد می‌کند و همچنین کنترل لازم برای ثبات در ادامه روند را از دست داده است. در نمودار میله ای شما فقط یک حرکت بلند قیمت و تشکیل چیزی مثل علامت بعلاوه می‌بینید اما در نمودار کندل‌ها شما می‌پرسید «سایز بدنه ما چقدر است؟» «دم و شاخ‌ها به چه می‌مانند؟». وقتی بازار کندلی با یک بدنه کوتاه و شاخ بلند تشکیل دهد من هیچ میلی به گرفتن پوزیشن در روند صعودی بازار نخواهم داشت در صورتیکه با دقت به نمودار میله ای فرصت خوبی برای گرفتن پوزیشن بنظر می‌رسد چون یک حرکت قیمتی بالاروی خوبی دیده میشود و در انتها نیز قیمت در جهت روند بالا رفته و بسته شده است اگر به نمودار کندل‌ها برگردیم خواهیم دید که یک حرکت رالی شکل گرفته اما قیمت در نزدیکی open بسته شده که تشکیل Bearish shadow را برای ما محرز کرده است.



AT : کدام اندیکاتور غریبها در کنار کندل‌ها خوب کار می‌کند ؟

SN : من بطور مشخص Volume را پیشنهاد می‌کنم که فشار و نیروی پشت قیمت‌ها را برای حرکت نشان می‌دهد. برای مثال الگوی Bullish Engulfing که یک کندل سفید، \* کندل سیاه قبل از خود را در بر می‌گیرد را در نظر بگیرید. اگر شما یک الگوی Bullish Engulfing را بعد از روند نزولی داشته باشید ممکن است بازار دوباره میل به پایین رفتن داشته باشد. در اینجا تحلیلی از حجم را وارد تصمیم‌گیری خود می‌کنیم. اگر من ببینم حجم کندل سفید بالاروی من از حجم کندل سیاه قبل از خود بیشتر است، \* می‌فهمم الگو دلالت بر بالارو بودن بازار دارد.

در اصل شما می‌توانید فقط اندیکاتورهای مورد علاقه خود را به چارتان اضافه کنید. سیگنال‌های دیگری را نیز که استفاده می‌کنید ممکن است شما را بیشتر راهنمایی کند. مثلاً اگر Bullish Engulfing در نزدیکی یک خط حمایت قوی پدید آید، اعتماد به روند صعودی در جهت تشکیل این الگو نسبت به الگوی مشابه ولی بدون تاییدیه خط حمایت، بیشتر است.

AT : شما کندل‌ها را در تحلیل خود بصورت عینی در نظر می‌گیرید یا ذهنی ؟

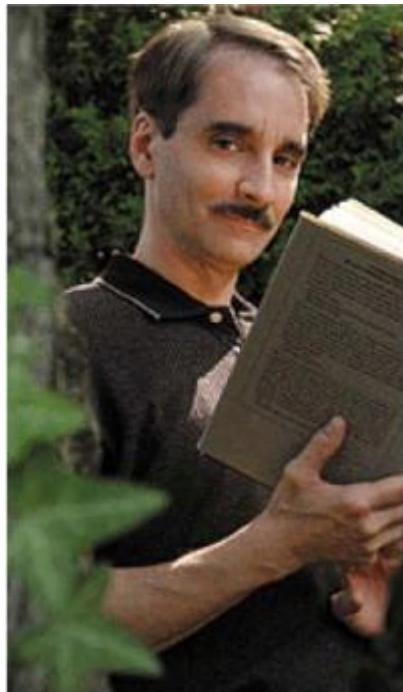
SN : هر دو ... برای مثال الگوی Hammer را که بدنه ای بلند در بالا و دم بلند دارد را در نظر بگیرید. هر چند اکثر الگوها برگشتی هستند ولی Hammer یک الگوی برگشتی قوی محسوب می‌شود که در پایین یک روند نزولی شکل می‌گیرد. حال بخواهیم تعیین کنیم که کدام حرکت نزولی مورد نظر است و مقصود از دم بلند این الگو چیست، اینجا موضوع بصورت عینی باید دیده شود. یک Hammer ایده آل باید دارای دم بطول حداقل دو برابر ارتفاع بدنه اش باشد.

اما اگر من یک Hammer بعد از حرکت نزولی ببینم که دم آن فقط یک و نیم برابر بدنه اش بوده اما بازار به یک خط حمایت مشهور و قوی خورده بود، باز هم دید من ناظر یک ساختار کلاسیک Hammer خواهد بود.

بطور کلی یک تصویر تکنیکالی مهمتر از سیگنالی است که از کندل‌ها می‌گیرید. کندل‌ها فقط در پس زمینه ای که شامل یک تصویر کلی از بازار می‌باشد، \* دیده می‌شوند.

AT : بعضی از معامله گران تحت تاثیر نامگذاریهای رایج الگوها هستند که در تحلیل کندلها نیز اثر گذار است .

SN : بله . ولی در واقع نام الگوها به حدی خود نمایانگر پیام الگو هستند . برای مثال Shooting Star عکس Hammer است و آن کندلی است با شاخ بلند و بدنه ای کوتاه در پایین کندل که بمانند ستاره دنباله دار می باشد . طرف مقابل Bullish engulfing در واقع Bearish Engulfing است . این ممکن است غیر معمول بنظر برسد ولی الگوها قابل توصیف و تفسیرند .



AT : آیا الگوی خاصی راز نظر قابل اعتماد بودن نسبت به بقیه الگوها در نظر دارید ؟

SN : ژاپنیا می گویند « شخصیتی که سهام بخود می گیرد مانند صورت انسانهاست ، دوتای آنها مثل هم نیست . » الگوی قطعی در بازار قطعی کاراست و بقیه الگوها درست کار نمی کنند . این یک سعی و خطاست .

برای مثال من روی نزدیک دقیق شده ام و دیده ام که Evening Star بریابی در نزدک جواب می دهد و آن ترکیبی از سه کندل است که بعد از یک رالی بوجود می آید . کندل اول سفید با بدنه بلند است ، \*کندل دوم با بدنه کوتاه اما با گپی بالا و ایجاد می شود ، \* کندل سوم بزرگ سیاه است بطوریکه بقدر کافی در کندل سفید اول نفوذ کرده باشد . ژاپنیا کندل بالارو را یانگو کندل پایترو را بینگ نام گذاشته اند .

وقتی یانگ به نهایت خود می رسد سکونی وجود می آورد و این رکود به بینگ تبدیل می شود . بحث این موضوع دارد طولانی میشود ولی واقعا من هیچ دلیل و ایده ای برای نحوه صدقش در نزدک ندارم ولی آن اتفاق می افتد .

AT : بعضی از معامله گران تحت تاثیر نامگذاریهای رایج الگوها هستند که در تحلیل کندلها نیز اثر گذار است .

SN : بله . ولی در واقع نام الگوها به حدی خود نمایانگر پیام الگو هستند . برای مثال Shooting Star عکس Hammer است و آن کندلی است با شاخ بلند و بدنه ای کوتاه در پایین کندل که بمانند ستاره دنباله دار می باشد . طرف مقابل Bullish engulfing در واقع Bearish Engulfing است . این ممکن است غیر معمول بنظر برسد ولی الگوها قابل توصیف و تفسیرند .

AT : آیا الگوی خاصی راز نظر قابل اعتماد بودن نسبت به بقیه الگوها در نظر دارید ؟

SN : ژاپنیا می گویند « شخصیتی که سهام بخود می گیرد مانند صورت انسانهاست ، دوتای آنها مثل هم نیست . » الگوی قطعی در بازار قطعی کاراست وبقیه الگوها درست کار نمی کنند . این يك سعی و خطاست .  
برای مثال من روی نزدکدقیق شده ام و دیده ام که Evening Star بزبایی در نزدک جواب می دهد و آن ترکیبی ازسه کندل است که بعد از یک رالی بوجود می آید . کندل اول سفید با بدنه بلند است ، \*کندل دوم با بدنه کوتاه اما با گپی بالا رو ایجاد می شود ، \* کندل سوم برنگ سیاه استطوریکه بقدر کافی در کندل سفید اول نفوذ کرده باشد . ژاپنیا کندل بالا رو را یانگو کندل پاینرو را بینگ نام گذاشته اند .  
وقتی یانگ به نهایت خود می رسد سکونیوجود می آورد و این رکود به بینگ تبدیل می شود . بحث این موضوع دارد طولانی میشودولی واقعا من هیچ دلیل و ایده ای برای نحوه صدقش در نزدک ندارم ولی آن اتفاق میافتد .

AT : کندلها چگونه می توانند بیانگر روحیه بازارباشند ؟

SN : من کندلها را بعنوان یک عکس رادیوگرافی ازعرضه و تقاضای بازار می بینم . یک کندل بلند قامت سفید نشاندهنده این است که بازاردر این بازه زمانی ، نزدیک پایتترین حد ، باز شده و در نزدیک بالاترین تراز ، بستهشده است و پیامش هم این است که حرکت بالا رو قیمت تحت کنترل می باشد . از طرفی اگر یک کندل بلند قامت سیاهرنگ بوجود آید پس حرکت پاینرو می تحت کنترل است . اگر شما Spinning up با یک بدنه کوتاه ببینید ، درمی یابید که تقلاي بازار در جنگ بینخریداران و فروشندگان بالا گرفته است . اگر شما دوجی داشته باشید ، یک تعادلی بینقدرت بالا رو و پاینرو در بازار ایجاد شده است که شما بالطبع آرزوی دیدنش را درادامه حرکت رالی نخواهید داشت . در طی یک روند ، دیدن Spinning up ها و Doji ها خوشایند نیست . در زمان تشکیل دوجی پیغام گرفته شده از بازار «عدم تصمیمگیری» است واینکه بازار خسته شده است .

چیزی که نباید فراموش شود این است که بعضی اوقاتکمبود علم لازمه ، خطرناک می شود . من در اینجا دوست دارم به همه بگویم مبادا قبل ازاینکه احساس نزدیکی و هم خانوادگی با کندلها کنید ، بنای معاملات خود را بر پایهکندلها قرار دهید . مثالی می آورم : دوجی یک کندل برگشتی بالقوه است اما یکی ازاعتقادات من این است که نوک شاخ دوجی ، تراز مقاومتی را برای ما تشکیل می دهد و اگرقیمت ، بالای این تراز مقاومتی بسته شد بقول ژاپنیا بازار نفسی تازه گرفته است .

در اینجا توجه شما را به جزئیاتی چند جلب می کنم . اگر بطور کلی درباره دوجیخواهیم نظر دهیم ، می گویم «دوجی بیانگر عدم قدرت تصمیمگیری بازار است» ولیشایسته تر این است که بگویم «دوجی سقف است نه کف» . الان توضیح می دهم : دوجیدلالت بر سنگینی بازار بطرف پایین دارد . وقتی شما در یک حرکت رالی شاهد تشکیل دوجیباشید می بینید بازاریان دودل هستند که دوجی چگونه عمل خواهد کرد و در واقع امکانریزش قیمت زیر این سنگینی می رود .

اما وقتی شما شاهد دوجی در طی روند پاینروباشید ، اغلب اوقات بازار به حرکت نزولیش ادامه می دهد . این از نکات ریزی است کهشما با مشاهده هزاران چارت به آن خواهید رسید .

AT : می توانید مثالی از شرایط لازم برای گرفتنپوزیشن خرید بزنید ؟

SN : یکی از تکنیکهایی که من دوستدارم از آن استفاده کنم الگوی Bullish Engulfing بعنوان منطقه حمایتی است . نزدک ۱۰۰ در ۲۳ و ۲۴ جولای یک الگوی Bullish Engulfing داشت - توضیح مکرر اینکه این الگوکندل سفیدی است که کندل سیاه قبل را دربرگرفته است - در این الگو Low، ۱،۱۹۲ بود کهمنطقه حمایتی قوی محسوب می شد . در اینجا تفکر خرید می تواند در بازار مطرح باشد . در این کندل بازار حرکت رالی خود را انجام داداما سپس در ۵ آگوست در ۱،۲۰۵ یککف قیمتی دیگر ساخت . این کف بالاتر از کف الگوی Bullish Engulfing خود را مستقرنمود و بازار حرکت رالی خود را از آنجا شروع کرد پس یک ساختار بالقوه در جهت خریدنزد الگوی Bullish Engulfing پدید آمد . در این نمونه شما می توانستید به انتظارتاییدیه بنشینید تا بعد از بلوک سیاه ۵ آگوست یک کندل با open بالاتر ایجاد شود S/L . شما نیز پایین Low الگوی Bullish Engulfing می باشد .

AT : آیا با مشاهده کندلها میتوانیم قیمتهای مورد احتیاج را تعیین کنیم ؟

SN : نه ،\*کندلها به شما قیمتي که باید هدف قرار دهید را نمي دهد . این نکته مهمي است . کندلها ابزاري قوي هستند که اولین سیگنالهاي خرید و فروش را مي توانيد از آن بگيريدو یا سیگنال برگشت روند را مشخص کنید اما براي تعيين دورنماي خروج از بازار از تکنیکهاي غربي باید استفاده کرد .

براي مثال ، براي آن الگوي Bullish Engulfing که قبلا عنوان کردم ، بازار از میانگین متحرک ۳۰ روزه تبعیت مي کرد که منبه آن توجه مي کردم . اگر خرید را روي الگوي Bullish Engulfing انجام مي دادم شایدخارج از میانگین متحرک ۳۰ روزه قرار داشتم بنابراین من خرید را روي ۱,۲۰۵ تا ۱,۲۱۰ انجام داده و میانگین متحرک ۳۰ روزه ما حول و حوش ۱,۲۲۰ بود که دورنماي هدف، وابستهه آن بود و این ،\* آن جایبست که باید از تکنیکهاي غربي ياري جست .

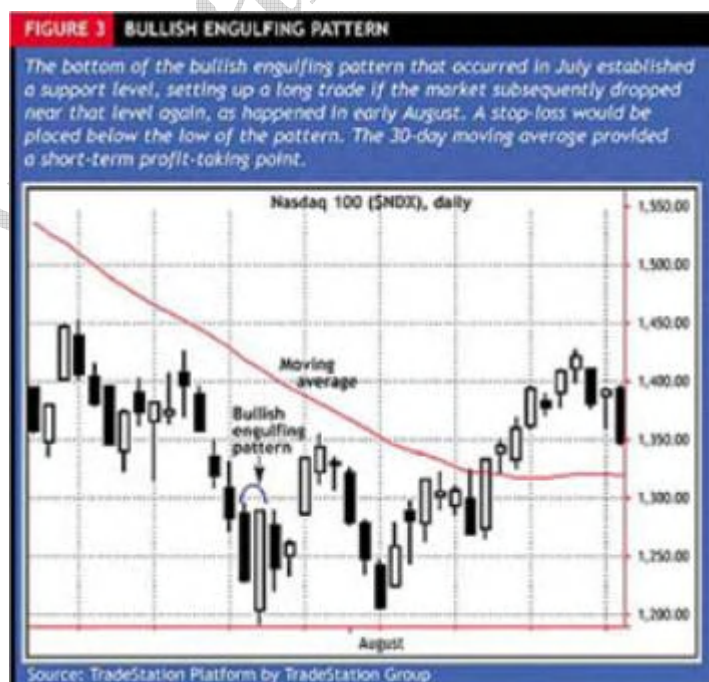
AT : آیا نسبت سود به ریسکي کهبراي معاملاتان استفاده مي کنید را واضحا بیان مي فرمایید ؟

SN : بین ۲ تا ۲,۵ . من سقف بالا و پایین پیوت را براي حدسود مناسب خود و عبارتي نقطه خروج در نظر مي گیرم . آنها بخوبي خطوط روند هستند .

AT : براي اینکه معاملات برپایه کندلها بیشتر سودبخش باشد توجه به چه نکاتي را صلاح مي بینید ؟

SN : يکي از چیزهايي که دوست دارم پیشنهاد کنم این است کههمیشه روند کلي بازار را مد نظر قرار دهید . اینکه بعضيها روند کلي را چگونه تشخیصمي دهند بحثي ديگر است . مي پرسید چگونه ؟ الان توضیح مي دهم : بعضي از معامله گرانبه میانگین متحرک نگاه مي کنند ، اگر سهام زیر میانگین متحرک ۳۰۰ روزه بود مي گویندروند نزولي است . من شخصا خیلی ساده آنرا تعیین مي کنم : اگر بازار high را در بالاتر و low را نیز در بالاتر تشکیل داد ، روند صعودي است و اگر low را در پایینتر و high را نیز در پایینتر ساخت ،\* روند نزولي است . وقتی شما روند اصلي را تشخیص داده باشید ، تمرکز خود را روي گرفتن پوزیشن جدید در جهت روند اصلي خواهیدگذاشت . اگر روند کلي صعودي است ،\* من مایلم که کندل Bullish ي بیام که سیگنالخرید در جهت بالا را بدهد .

مثالي مي زنم : اگر Bullish Hammer بوجود آید وروند کلي ما صعودي باشد ، تصمیم من ورود به بازار بعنوان خریدار بر روي آن Hammer مي باشد .



AT : آیا شما در ابتدای تشکیل کندل ( open جدید) اقدام به خرید می کنید ؟

SN : سیگنال کندلها بر پایه قیمت Close می باشد اما شما میتوانید در ابتدای روز جدید وارد بازار شوید که البته این تصمیم بستگی به کندل روز قبل شما دارد .

AT : آیا کندلها می توانند راهنمایی باشند برایتعین S/L ما ؟

SN : بله . بسیاری از کندلها این سطح را به شما می دهند Low . در يك سیگنال بالارو می تواند سطح حمایتی ما باشد . مثال اینکه Low در Bullish Hammer می تواند خط حمایت ما را تشکیل دهد .

AT : آیا شما S/L خود را درستتر Low الگوی Hammer قرار می دهید ؟

SN : بله . چون در داخلروز ممکن است خط حمایت شکسته شود . در غیر این صورت بر قدرت خط حمایت افزوده می شود .

AT : سوداگران برای تعییننقطه ورود چگونه سیگنالهای غربی را با هم ترکیب می کنند ؟

SN : من مایلیم اظهار کنم که سوداگران به ادامه استفاده از اندیکاتورهایی که به آنعلاقه دارند ادامه دهند - استوکاستیک ، میانگین متحرک ویا هرآنچه که ممکن است - پساگر از آنها سیگنال برگشتی دریافت کردید ، \* به چارت کندلها تان نگاه بیاندازید تا در صورت تایید اقدام کنید . مثالی در این مورد : \* اگر در اندیکاتور استوکاستیک یکواگرایی نزولی تشخیص دادید که معرف تشکیل يك تراز سقفی برای قیمت بود و البتهاستوکاستیک بر خلاف تشکیل سقف حرکت کرد همچنین الگوی Bearish Shooting Star در چارتکندلها ایجاد شد ، در اینجا صعود قیمت احتمال برگشت بازار را نشان می دهد .

AT : در این وضعیت آیا سیگنالخوبی برای فروش رخ داده است ؟

SN : من خواهم فروخت اگر روندکلی بازار نزولی باشد . اگر روند کلی صعودی باشد و من آن سیگنال خاص را بینم ، قرار به سستی حرکت صعودی بازار خواهم داد . ماندن در جهت روند کلی بازار آسانتر ازراضی کردن خود به غلتیدن در سراسیپی بازار است . من وقتی پوزیشن جدید در خلافجهت روند کلی بازار می گیرم و پوزیشنهای در جهت روند بازار را می بندم که بینمروند کلی در جهت مخالف ، \* شروع به حرکت کرده است . پس اگر شما روند صعودی داشتهباشید ، سیگنال نزولی دلالت بر تصمیم به بستن پوزیشنهای خرید است .

AT : آیا شما سیگنال موردعلاقه خاصی مد نظرتون است ؟

SN : بله . Windows - اگر بازارگپ صعودی و یا گپ نزولی تشکیل دهد - یکی از سیگنالهای مورد علاقه من است . يك Window تبدیل به مناطق حمایت و مقاومت می شود .

AT : چگونه از آن در جهت مقاصدتان استفاده می کنید ؟

SN : اگر بازار گپ صعودی تشکیل دهد و سپس پس بزند ، آن گپسطح حمایت بالقوه می باشد .

AT : شما چگونه الگوی اشتباه را تشخیص می دهید ؟

SN : آن وقتی می تواند باشد که Stop شما در همان حواشی وجود دارد . برای مثال اگر شما بر پایه Bullish Engulfing در ابتدای باز شدن کندل اقدام کنید ، \* نسبت سود به ریسک شما جذاب خواهد بود و S/L شما نیز باید در در کف الگوی Bullish Engulfing باشد . این در حالیست که هنوز سیگنال باارزشی ندارید . من اسماینرا گذاشتم «ترازی که میمونها از درختان می افتند»  
در اینجا سطحی وجود دارد که اگر قیمت آنرا قطع کند ، شما خواهید گفت : الگو اشتباه بوده است . شما جهتتجان می توانید از الگوی کندلها ، سطوح مقاومت و حمایت را استخراج نموده و هروقتقیمت ، آنرا قطع کرد نتیجه بگیرید که الگو اشتباه بوده است .

AT : می توانید از ایرادات کندلها برای ما بگویید ؟

SN : شما نمی توانید قیمت هدف را تعیین کنید . شما باید منتظر بسته شدن کندل بمانید تا یک سیگنال شکل گیرد اما برابیشدستی می توانید از چارتهای با تایمفریم پایینتر استفاده کنید . برای مواردی که قیمتتهای High , Low , Close و Open آن مطرح نیست - مانند mutual funds شما نمیتوانید از کندلها بهره ای بگیرید .

AT : آیا بنظر شما چارت کندلها در تمام بازارها و همهتایمفریمها قابل استفاده است ؟\*

SN : آنها در تمام تایمفریمها کارا هستند . اگرچه بعضی اگر از تایمفریمهای کوچک استفاده کنند - یک ، سه و یا پنج دقیقه - الگوی قطعی مهمی تشکیل نخواهد شد . در این تایمفریمها نوبزهای زیادی دیده می شود و سطوح Open و Close ، اعتبار کندلهای روزانه را ندارند . اگر ما یک الگوی قطعی مانند دوجی را ببینیم که بارها و بارها تکرار شود و آن الگوی نادری نباشد ، در نتیجه توجه ما را بخود جلب نخواهد کرد . من برای کلاینت هایم سراغ پایینتر از M15 نمی روم و البته برای من تایمفریم روزانه بسیار مهمتر است .

AT : آیا شما تحقیقی بر رویارزش الگوها نسبت به هم انجام داده اید و آیا استفاده از تمام آنها احتیاج بهاحتیاط دارد ؟

SN : آزمایش روی آنها غیرممکن است . من قویاتکید می کنم که از آنالیز کندلها بعنوان ابزار استفاده کنید نه بعنوان سیستم . آنها باید جنگ افزارهای شما در کارزار قیمتتهاتان باشد . کندلها در سیگنالدهی برگشتها قدرتمندند که البته بستگی به تجربه شما بر روی آنها دارد . آنها همچنینسیگنالهای برگشتی را خیلی زود خبر می دهند .

اما من پیشنهاد نمی کنم که آنها را بعنوان سیستم بکار ببرید چون آنها هدف معامله شما را تعیین نمی کنند . شما برایاینکار باید از تکنیکهای دیگری استفاده کنید - آن ممکن است High کندل قبل باشد و یاخط مقاومت - که هر چیز دیگری می تواند باشد . اگر شما هدفی برای پوزیشن خود نداشتهباشید ، در واقع شما معامله ای ندارید . برای تبدیل شدن به سوداگر موفق ، باید حدسود به ریسک خود را تعیین کنید البته قبل از انجام معامله .

فراموش نکنید کههیچوقت یک درخت جنگل نمی سازد و ما داریم هم اکنون دربارہ یک تک درخت بحث می کنیم . کندلها می توانند ابزار قدرتمندی باشند اما سوداگران باید قبل از استفاده ، آنها رامطالعه کرده ، فهمیده باشند .



## چارت کندلها : رفتار بازار را به ما نشان مي دهد

طبق گفته هاي آقاييسون اگر از چارت کندلها صحيح استفاده شود ، باعث مي شود تا ما به راحتی از ايجاد ضرر و يا از دست دادن سود بيشتر ، جلوگیری کنیم .

نيسون مي گويد « خطوط خطچينيكه ملاحظه مي كنيد يك منطقه رتريسمنت در حوالي عدد ۱۳۵ مي باشد . در اوایل مارچ ، کندل سفید در این سطح مقاومتی بسته شده است - سیگنال بالارو - . ولي در سشن بعد یکدوجي در شرایطی مشابه و یا تقریباً مشابه در close و open ؛ نشاندهنده این است که حرکت صعودی کنترل خود را برای ادامه حرکت از دست داده است و البته این بدان معنیست که این کنترل را حرکت نزولی بدست آورده است .

ظاهر شدن این دوجي نمایانگر سیگنالی برای حفظ منافع و یا تعبیه يك Sell Stop حفاظتی بود . این نمونه ای خوب برای نشان دادن مزایای تحلیل بر پایه کندلها می باشد . این سشن (که دوجي را تشکیل داده است) را اگر در چارت میله ای نگاه کنیم ، فراین ، سلامت و حرکت در جهت روند بازار را نشان می دهد ولي در چارت کندلها ، هرچند ارتفاع قیمت ، افزایش نشان می دهد؛ ولي الگوي کندلي ما ، پیغامی به ما می دهد که حاکی از ضعف و سستی موجود در بازار است .

تعبیر این بازار از قول ژاپنیها چنین است :

این قایق که در ظاهر ، رنگ وتلالتو دلفریبی دارد ؛ سوراخ است.



منبع :

[www.sarmaye.com](http://www.sarmaye.com)

تهیه کننده : جناب shahram

تدوین : جناب Mohsen

لینک تاپیک اصلی :

<http://forum.sarmaye.com/showthread.php?t=2074>